

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال دوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۳

آموزه‌های تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه اخلاق مهدوی

علی‌نقی فقیهی*

چکیده

آموزه‌های تربیتی در حوزه اخلاق مهدوی، بخشی مهم از آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در راستای اهداف رسالت و امامت به شمار می‌آید. هدف این نوشتار، دستیابی به آموزه‌های تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام در قلمرو ویژگی‌های اخلاقی امام عصر علیه‌السلام و یاران صدیق آن حضرت است. همچنین روش این تحقیق، توصیفی - اسنادی است و به منظور گردآوری داده‌های لازم برای نیل به اهداف پژوهش، منابع حدیثی موجود و مرتبط با موضوع پژوهش، با استفاده از فرم‌های فیش برداری از منابع، جمع‌آوری شده و با شیوه‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از یافته‌های این پژوهش، تبیین ویژگی‌های اخلاقی شخص امام در سه حیطه جامعیت مکارم اخلاق، اخلاق فردی و اجتماعی است و در تشریح عمده ویژگی‌های اخلاقی یاران امام به الگوگیری از آن حضرت در محاسن و مکارم اخلاق، توجه به خدا، روحیات فردی، اخلاق یاران در زمان غیبت و در ارتباط با همدیگر پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

اخلاق مهدوی، آموزه‌های تربیتی، اخلاق یاران، اخلاق فردی و اجتماعی.

مقدمه

تمام آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام برای تحقق اهداف رسالت و امامت است و از مهم‌ترین هدف‌های رسالت انبیا و امامت ائمه علیهم‌السلام، تعلیم و تربیت و تزکیه اخلاقی مردم به شمار می‌آید. در چهار آیه قرآن به این هدف مهم برای انبیا به ویژه پیامبر خاتم آنان تصریح شده است (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲). احادیث متعددی نیز از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده مبنی بر این که آفرینش انسان هدف دار است و استکمال و اتصاف به صفات کمالی پروردگار عالی‌ترین هدفی است که بشر می‌تواند به آن برسد و هدف بعثت انبیا و تعیین ائمه هدی علیهم‌السلام برای تحقق این هدف عالی است. هموار کردن این راه، از طریق تربیت اخلاقی است که رسولان و پیشوایان دینی عهده‌دار آن‌اند. از این روست که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تبیین هدف بعثتش بر اتمام مکارم الاخلاق تأکید می‌کند و می‌فرماید:

إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (پابنده، ۱۳۸۲: ۳۴۵)

در این مقاله برآنیم تا پس از تبیین مفهوم تربیت، آموزه‌های تربیتی و مفهوم اخلاق و تربیت اخلاقی، روایات اهل بیت علیهم‌السلام را در زمینه اخلاق مهدوی بررسی کنیم و به ویژگی‌های اخلاقی امام عصر علیه‌السلام و یاران واقعی آن حضرت دست یابیم.

مفهوم تربیت

تربیت، مصدر باب «تفعیل» و دارای سه ریشه: ۱. ربأ، یربؤ (= فعل مهموز)؛ ۲. ربی، یربی (= فعل ناقص)؛ ۳. رب، یرب (= فعل مضاعف) است. تربیت از «ربا، یربو» به مفهوم رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و زیاد شدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۴، ۳۰۵)؛ از «ربی، یربی» معنای افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآوردن، رویانیدن و تغذیه کودک دارد و تربیت از ریشه «رب، یرب» به معنای پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن، به اعتدال بردن، استوار و متین کردن آمده است (شرتونی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۳۸۶).

راغب اصفهانی مفهوم تربیت را در قرآن دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز تا آن‌گاه که به انجامی که آن را سزد برسد دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۴) و بیضاوی تربیت را به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک‌اندک هر چیز بیان داشته است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۰). مصطفوی نیز برای تبیین ریشه تربیت به مفهومی که مد نظر اندیشمندان علوم تربیتی

است، آن را از ریشه «مضاعف» دانسته و تربیت کودک را به سوی کمال سوق دادن او معنا کرده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۴، ۳۵). همچنین علامه طبرسی پس از آن که برای واژه «رب» معانی گوناگونی چون مالک، صاحب، سید، مطاع، مصلح و تربیت کننده را برمی شمرد، تربیت را سوق دادن چیزی به سمت کمال دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱، ۲۲).

فیلسوفان تربیتی مسلمان نیز با توجه به کاربردهای لغوی تربیت و گفته‌های صاحب نظران در زمینه مفردات قرآن و کلمات مفسران به تعریف اصطلاحی تربیت پرداخته‌اند. برای مثال، ابن سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳-۴۲۸ق) تربیت را - که به آن تعلیم^۱ و تربیت نیز گفته می‌شود - برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده برای رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی تعریف کرده است (دفتر همکاری، ...، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۸۴). همچنین تعلیم و تربیت به عنوان واحد مفهومی فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد، تعریف کرده است. و علاوه بر پرورش استعداد، بر رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود^۲ تأکید کرده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۴). و در برخی تعاریف دیگر «رشد و تکامل اختیاری متربی به سوی هدف‌های مطلوب و این که تربیت بر اساس برنامه‌ای سنجیده شده، باید انجام گردد، توجه شده است (دفتر همکاری، ...، ۱۳۷۲: ج ۱، ۳۴۱-۳۶۶). به نظر می‌رسد بیان شهید مرتضی مطهری بهترین و جامع‌ترین بیان در این زمینه است. وی علاوه بر این که تعلیم و تربیت، را پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ تبیین می‌کند و آن را شامل همه جانداران، اعم از گیاه، حیوان و انسان دانسته و معتقد است تربیت، باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند. بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای اوست. این استعدادها در انسان شامل: استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع است (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۰-۲۲ و

۱. «تعلیم» به معنای آموزش دادن است که تکرار کردن و تدریجی بودن در آن نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۳). بنابراین تعلیم خود نوعی تربیت است و همانند تربیت، زمینه‌سازی برای شکوفایی استعداد به شمار می‌آید، اما به استعداد ذهنی اختصاص دارد؛ ولی تربیت همه استعدادها را دربر می‌گیرد.

آموزه‌های تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام

منظور از آموزه‌های تربیتی، مجموعه برنامه‌های آموزشی و پرورشی خرد و کلان در متون حدیثی است که به صورت گفتارها، ارشادها، اوامر و نواهی، سیره عملی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام برای به فعلیت درآوردن استعدادها و سرشتی آدمیان و هموار ساختن مسیر رشد و تعالی و سعادت دنیا و آخرت آنان به دست ما رسیده است.

اخلاق

«خُلُق» ریشه اخلاق به مفهوم سرشت، سنجیه و طبیعت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ۱۹۴) و به تعبیر ابن مسکویه، خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند، بی آن که نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۵۱). همین ملکات و صفات درونی انسان «اخلاق» نامیده می‌شود و به رفتاری که از این خلقیات ناشی می‌شود نیز «اخلاق» یا رفتار «اخلاقی» می‌گویند (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۹۰: ۱۵). همچنین گفته شده است اخلاق، اعم از ملکات نفسانی است که فلاسفه اخلاق تاکنون بر آن تأکید داشته‌اند. اخلاق شامل همه کارهای اختیاری انسان می‌شود که ارزشی است؛ یعنی متصف به خوب و بد بوده و می‌تواند برای نفس کمالی را فراهم آورد یا موجب رذیلت و نقصی در نفس شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۲۵). همچنین مطلق صفات نفسانی در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرد، خواه به صورت پایدار «ملکه» یا به صورت ناپایدار «حال» باشد (همو: ۲۴۰). بنابراین موضوع اخلاق اعم از ملکات نفسانی است که تاکنون فلاسفه اخلاق بر آن تأکید داشته‌اند، بلکه اخلاق همه کارهای ارزشی ایشان که متصف به خوب و بد می‌شوند و می‌توانند موجب پیدایش کمال یا نقصی در نفس شوند. این‌ها همگی در قلمرو اخلاق قرار می‌گیرند. در نتیجه، اخلاق شامل همه ملکات، حالات نفسانی و افعالی است که رنگ ارزشی دارند.

به نظر می‌رسد در جمع‌بندی می‌توان گفت اخلاق، صفات نفسانی و افعال ارزشی است که برای نفس آدمی موجب کمال شود. بنابراین اخلاق همه فضایل و اصول و فروع آن‌ها - اعم از ملکات نفسانی، حالات روحی، آداب فردی، اجتماعی و همه افعال اختیاری جوارحی و جوانحی - است که دارای بار ارزشی هستند و انسان را در نیل به کمال نهایی - یعنی قرب الهی و عبودیت و بندگی - کمک می‌کنند و آن‌چه از صفات، حالات و افعال اختیاری که ضد

آن هاست و مانع نیل آدمی به کمال است ضد اخلاق یا رذایل خواهد بود. در این جا لازم است به دو نکته توجه شود: یکی این که صفت و رفتار اخلاقی از طبیعت سرشتی فرد بروز می کند. اطلاق این کلمه در عربی به ارزش هایی است که فرد در سرشت انسانی خود میل به آن ها را دارد و حتی این که فرد به صورت طبیعی از زشتی ها و بدی ها نفرت دارد، به عنوان یک ارزش است که از سرشت و فطرت انسانی نشأت می گیرد. قرآن کریم این سرشت و فطرت انسان را با کلمه الهام تبیین کرده است که منظور، الهام تکوینی و خلقتی است (شمس: ۸).^۱ دیگر این که ارزشی بودن اخلاق به صورت فطری برای انسان روشن است و از این رو افعال خوب به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از او صادر می شود (نراقی، بی تا: ج ۱، ۲۶-۲۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۷۷).

تربیت اخلاقی

گفته شده تربیت اخلاقی ایجاد شناخت و برانگیختن احساس فرد است برای آن که زشتی های رفتاری و صفات منفی از وی دور و صفات مثبت و ارزش های اخلاقی برای او درونی و پایدار شود (حسین زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۵). به نظر می رسد تربیت، کاری است که مربی انجام می دهد. البته مربی شناخت ایجاد نمی کند و آموزش دادن به معنای ایجاد کردن نیست؛ بلکه فراهم سازی زمینه های پرورش ذهنی است که به شناخت مربی می انجامد. بنابراین، تعبیر ایجاد، مناسب نیست. دیگر این که تربیت، تنها شناخت و برانگیختن احساس نیست. توجه دادن به مسائل اخلاقی و برانگیختن احساس مثبت به آن ها برای اتصاف به صفات و رفتارهای اخلاقی ناکافی است و راهکارهای عملی نیز لازم است. به دلیل اهمیت راهکارهای عملی گفته شده، تربیت اخلاقی، بخشی مهم از علم اخلاق را تشکیل می دهد. از آن جا که مباحث آن به طور عمده ناظر به راهکارهای عملی و ارائه توصیه هایی در باب عمل است، گاهی از این بخش با نام «اخلاق عملی» یاد می شود. در مقابل، به آن بخش از مباحث اخلاقی که به توصیف خوبی ها و بدی های اخلاقی می پردازد، «اخلاق نظری» می گویند. تربیت اخلاقی چگونگی پرورش استعدادها و به کارگیری قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده ارزشی و نیل به فضایل عالی اخلاقی و نیز دوری از رذیلت ها و نابود کردن آن هاست. بنابراین در تربیت اخلاقی، رویکرد اصلی متوجه پرورش استعداد های اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۳: ۱۸).

۱. «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا».

تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی، به آن چه مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد برای تفکر درباره مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۴۸). همچنین تربیت اخلاقی، آموزش اصول و ارزش‌های اخلاقی و پرورش گرایش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری به شمار می‌آید (داودی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

به نظر می‌رسد در تبیین تربیت اخلاقی مبتنی بر دیدگاه اسلامی، توجه به نکات زیر لازم است:

۱. آدمی دارای فطرت اخلاقی است و توانمندی درک خوبی‌ها و بدی‌ها را به صورت بدیهی دارد؛ زیرا خداوند این توانمندی را با الهام تکوینی در انسان سرشته است.
 ۲. تربیت در جایی به کار می‌رود که استعداد رشد و شکوفاسازی در آن باشد؛ بنابراین تربیت در جایی که استعداد تحول و پرورش را نداشته باشند و بخواهند آن را ایجاد کنند به کار نمی‌رود.
 ۳. تربیت کردن به مفهوم فراهم‌سازی رشد و شکوفایی در جهت هدفی معین همراه با نقشه‌ای مشخص است. کار مربی صرفاً فراهم‌سازی رشد و تحول و تغییر است و نه این که مهارتی را ایجاد کند یا به مربی اعطا کند.
 ۴. آموزش دادن نیز خود نوعی تربیت و فراهم‌سازی تحول و رشد ذهنی است و به مفهوم ایجاد علم در ذهن مربی یا انتقال معلومات مربی به مربی نیست.
 ۵. تربیت اخلاقی، پرورش همه ارزش‌ها و خوبی‌هایی است که انسان به صورت فطری وجدانی اوست و عقل برترتین آدمی به آن‌ها در روابطش با خدا، خود، دیگران و طبیعت الزام دارد.
 ۶. از محورهای مهم در برنامه‌های تربیتی انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام پرورش اخلاق و ارزش‌های فطری است. ارزش‌شناسی صفات و اعمال در گستره زندگی که تحول و ارتقای انسانی را در مسیر کمال و خوشبختی جاوید تسهیل می‌کند و آدمی را از بیگانه شدن از اصل خود و اعوجاج فطری و سقوط در بهیمیت، بلکه پست‌تر از آن، پیش‌گیری می‌نماید و سقوط کرده را صعود می‌بخشد.
- بنابراین، منظور از تربیت اخلاقی مورد توجه اسلام، انجام فعالیت‌های آموزشی و پرورشی

است که زمینه‌ساز رشد و ارتقای توانمندی‌های فطری در حوزه صفات و عملکردهای ارزشی است و روابط شخص با خدا، خود، دیگران و طبیعت را به طور مطلوب، سامان می‌دهد و وی را به حیات طیبه و سعادت جاوید می‌رساند.

در ادامه به توصیف و تبیین صفات و رفتارهای اخلاقی که در روایات تربیتی برای حضرت مهدی علیه‌السلام و یاران ایشان برشمرده شده است، می‌پردازیم. بنابراین، بحث در دو محور صفات و رفتارهای اخلاقی شخص امام مهدی علیه‌السلام و یاران آن حضرت انجام می‌شود.

ویژگی‌های اخلاقی شخص امام مهدی علیه‌السلام

هدف اصلی اهل بیت علیهم‌السلام از آموزه‌های تربیتی در حوزه صفات و رفتارهای اخلاقی امام مهدی علیه‌السلام این است که نمونه بارز اخلاق انسان کامل و اسوه حسنه محاسن و مکارم اخلاق، و الگوی عینی از تحقق هدف آفرینش معرفی شود و تلاش بشر برای سیر صعودی و دستیابی به حیات طیبه، در مسیر سالم و راه درست سیر و سلوک دینی، جهت یابد، یاران امام مهدی علیه‌السلام به روشنی بتوانند ویژگی‌های آن حضرت را بشناسند و برای پیروی از او تمام تلاش خود را به کارگیرند و مظهر شمع وجودش شوند و نیز زندگی آنان، نمونه‌هایی از زندگی سالم انسانی باشد.

اهل بیت علیهم‌السلام درباره صفات و رفتارهای اخلاقی امام مهدی علیه‌السلام سه دسته آموزه دارند: دسته اول بر این حقیقت تأکید دارد که اخلاق مهدوی همان اخلاق محمدی است^۱. آن حضرت همانند جدش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جامع صفات و رفتارهای ارزشی و مظهر کامل اخلاق خداوندی است که در آموزه‌های تربیتی تخلق به آن بسیار مورد تأکید است^۲. در آموزه‌های رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توصیه ایشان به تخلق به اخلاق الهی به تصریح عامه و خاصه در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده آمده است که تمام ائمه هدی علیهم‌السلام و از جمله امام مهدی علیه‌السلام مظهریت تام اخلاق الهی را دارند^۳. گفتنی است در معرفی کلی شخصیت اخلاقی امام علیه‌السلام تأکید بر این است

۱. جابر بن عبد الله انصاری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، اِسْمُهُ اِسْمِي، وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، اَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا ...»؛ مهدی علیه‌السلام از فرزندان من است؛ نام او نام من و کنیه او کنیه من است. [همچنین او] شبیه‌ترین مردم از جهت خلق و خوی و شکل و اندام به من است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۶)

۲. «تَخَلَّقُوا بِاَخْلَاقِ اللَّهِ؛ به اخلاق خدا آرسته شوید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۸، ۱۲۹)

۳. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».

۴. و هم (الائمة المعصومين) المتخلقون بأخلاقه. (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۳۱۲)

که نه تنها ایشان داری محاسن اخلاق‌اند، بلکه مکارم اخلاق را به صورت تام دارند. در توضیح محاسن و مکارم اخلاق باید توجه داشت که در روایات، معمولاً محاسن اخلاق به صفات و رفتارهای اخلاقی اطلاق می‌شود که روابط اجتماعی و معاشرت با دیگران را با ارزش می‌سازد و سبب سازمان‌دهی بهتر روابط اجتماعی و بهبود زیست افراد با یکدیگر، گروه‌ها و جوامع انسانی می‌شود. در برخی آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام محاسن اخلاق، در مقابل تساوی اخلاق و حسن خلق در برابر سوء خلق مطرح شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَتِهِ سُوءُ الْخُلُقِ. (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ۸۳)

هنگامی که از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: «ما حدُّ حسن الخلق؛ محدوده حسن خلق چیست؟» فرمود:

تُلبِّينُ جَانِبَكَ وَتُطِيبُ كَلَامَكَ وَتَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ؛ (صدوق، ۱۴۰۳: ۲۵۳)

با مردم به نرمی برخورد کن و پاک و مؤدب سخن بگویی و در رویارویی با برادرانت گشاده‌روی باش.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز حسن خلق را رابطه بین خداوند و بندگانش قرار داده است؛ آن جا که می‌فرماید:

ان الله عزوجل جعل محاسن الاخلاق وصلة بينه وبين عباده. (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱، ۱۹۳)

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: أَحَبُّكُمْ إِلَيَّ اللهُ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الْمُوْطِنُونَ أَكْنَافاً الَّذِينَ يَأْلَفُونَ وَ يُوْلَفُونَ؛ (همو: ۱۵۰)

از همه شما محبوب‌تر نزد خداوند کسی است که اخلاقش از همه بهتر باشد؛ همان کسانی که متواضع‌اند، با دیگران می‌جوشند و مردم نیز با آن‌ها می‌جوشند.

حضرت علی علیه‌السلام نیز در اوصاف انسان کامل (مؤمن) چنین می‌فرماید:

عُنْوَانُ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ خُلُقِهِ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۳۹۲)

سرلوحه و ویژگی‌های مؤمن (انسان کامل) حسن خلق اوست.

در آموزه‌های تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام محاسن اخلاق، از چنان اهمیتی برخوردار است که رعایت آن، نشانه دین‌داری فرد است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (همو: ج ۶۸، ۳۹۳)

داشتن اخلاق نیکو [در روابط اجتماعی] نیمی از دین است [و سبب گوارا شدن زندگی می‌گردد].

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید:

لا عِيشَ أَغْنِي مَن حَسَنَ الْخُلُقِ؛ (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ۱۲)
هیچ زندگانی ای غنی‌تر از حسن خلق نیست.

محاسن اخلاقی عزت‌آفرین است، همان‌طور که متساوی اخلاق ذلت‌آفرین است. حضرت علی علیه السلام فرمود:

رُبَّ عَزِيزٍ أَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَ ذَلِيلٍ أَعَزَّهُ خُلُقُهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۸، ۵۳)

بسا ارجمندی که اخلاق ناپسند او اسباب خواری‌اش را ایجاد کرد و بسا بی‌اعتباری که اخلاق حمیده‌اش او را عالی‌مقام ساخت.

اما مکارم اخلاق به برترین صفات و رفتارهای محاسن اخلاقی اطلاق می‌شود که اختصاصی انبیا و اولیای الهی است:

إِنَّ اللَّهَ حَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (قمی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۴۱۰)

هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله از رسالتش هم مکارم و هم محاسن اخلاق است. آن حضرت می‌فرماید:

بُعِثْتُ لِأُمَّمٍ مَّكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ مَحَاسِنِهَا؛ (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۸۲)

به منظور رسیدن به درجات بالای اخلاق و مکارم اخلاق، به پیامبری مبعوث شدم.

چگونگی رسیدن به این مقام رفیع و بلند را می‌توان در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام جست‌وجو کرد؛ آن‌جا که می‌فرماید:

ذَلَّلُوا أَخْلَاقَكُمْ بِالْمَحَاسِنِ وَ قَوِّدُوا هِيَ إِلَى الْمَكَارِمِ؛ (همو: ج ۱۱، ۱۸۸)

اخلاق خود را در آغاز با صفات حمیده و محاسن اخلاق رام کنید و سپس آن را به سوی مکارم اخلاق و سجایای عالی و ملکات نفسانی انسانی سوق دهید.

بنابراین، گام اول در اخلاق رعایت محاسن اخلاقی است. برای دستیابی به گام دوم - یعنی مکارم اخلاق - باید گام اول را با موفقیت سپری کرد. محاسن اخلاق سبب بهزیستی و تحکیم روابط اجتماعی است. محاسن اخلاق مردم را به ادب و احترام متقابل وامی‌دارد و در

جامعه مهر و محبت ایجاد می‌کند. دست‌یابی به محاسن اخلاق کم و بیش برای همه افراد میسر است و همه می‌توانند با تمرین و مراقبت‌های لازم، دیر یا زود خویشتن را به اخلاق خوب اجتماعی متخلق سازند، با مردم به گرمی برخورد کنند، وظایف خویش را به شایستگی انجام دهند و از نتایج مفید و ثمربخش آن بهره‌مند گردند.

مکارم اخلاق، آن دسته از صفاتی است که در مرتبه بالاتری قرار دارد و به انسان تعالی معنوی عطا می‌کند و تمایلات عالی انسان را از قوه به فعلیت درمی‌آورد. تنها کسانی می‌توانند به کرایم اخلاق متخلق شوند که از محاسن اخلاقی عبور کنند، بر هوای نفس خود فائق آیند، به خواهش‌های غیرانسانی خویش پشت پا زده و خویشتن را از اسارت آزاد کنند. از نشانه‌های اخلاق کریمه این است که نفس صاحب کرامت ویژه می‌شود و امیال خویش، او را به رفتارهای ارزشی نمی‌کشاند، بلکه خواست خدا و ارزشی بودن فعل برایش مطرح است:

مَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ. (شریف رضی، ۱۴۱۴: حکمت ۴۴۱)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مکارم اخلاق چیست؟ فرمود:

الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصَلَّةٌ مِّنْ قَطْعِكَ وَإِعْطَاءٌ مِّنْ حَرَمِكَ وَقَوْلُ الْحَقِّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ.

(صدوق، ۱۴۰۳: ۱۹۱)

با این توضیح معلوم می‌شود معرفی حضرت امام مهدی علیه السلام در روایات، به دارا بودن محاسن و مکارم اخلاق بدین معناست که مردم بدانند آن حضرت همه مراتب اخلاقی را دارد و افراد برای تزئین به اخلاق، به مراتب اخلاقی در سطوح مختلف واقف باشند.

دسته دوم، آموزه‌هایی است که در آن‌ها برخی از ویژگی‌های اخلاقی فردی امام علیه السلام مطرح می‌شود؛ مانند این که امام مهدی علیه السلام دارای عزت نفسی بالاست و هرگز احساس نیاز به دیگری ندارد؛^۱ از آرامش و سکینه روانی کامل برخوردار است و متانت و وقار،^۲ صبوری و مقاومت در برابر سختی‌ها،^۳ خشوع قلبی نسبت به پروردگار^۴ و کمال فروتنی در برابر خداوند^۵ از دیگر صفات

۱. قال الحسين علیه السلام: تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ ... بِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَخْتَأِجُ إِلَى أَحَدٍ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۲)

۲. قال الحسين علیه السلام: تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ. (همو: ۲۴۲)

۳. قال الصادق علیه السلام: عَلَيْهِ (المهدی) كَمَالُ مُوسَى وَ نَهَاءُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۴)

۴. قال الرضا علیه السلام: [الْمَهْدِيُّ] خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخُشُوعِ النَّسْرِ لِجِنَاحِهِ. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۵۳)

۵. قال الرضا علیه السلام: يَكُونُ (المهدی) ... أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۱۳)

اخلاقی آن حضرت است. زندگی او زاهدانه و ساده است؛^۱ در حفاظت خویش از هرگونه آلودگی و زشتی، باتقواترین مردم است.^۲ بهترین بندگی‌ها و عبادت‌ها را شبانه با رکوع و سجود طولانی انجام می‌دهد^۳ و در خوبی و بزرگواری و سخت‌کوشی گوی سبقت را از همگان ربوده است.^۴

دسته سوم، آموزه‌هایی است که در آن‌ها برویژگی‌های اخلاق اجتماعی امام علیه‌السلام و نقش آن حضرت در جامعه انسانی تأکید می‌شود. بیشتر آموزه‌های تربیتی در حوزه اخلاق شخص حضرت مهدی علیه‌السلام امور اخلاقی مرتبط با مردم و افراد جامعه است. امام مهدی علیه‌السلام نسبت به مردم، حتی از والدینشان نیز به آنان مهربان‌تر است.^۵ این مهر و محبت اوست که خطاب به شیعیان می‌فرماید:

اگر علاقه ما به شما و آن‌چه به مصلحت شماست و محبت و مهرورزی ما نسبت به شما نبود، اشتغال‌ها نمی‌گذاشتند که ما با شما، به سخن گفتن بپردازیم.^۶

امام علیه‌السلام از یاری رساندن به مردم کوتاهی نمی‌روزد و در سختی‌ها و گرفتاری‌ها آنان را فراموش نمی‌کند. از این روست که ناگواری‌ها نمی‌تواند بر شیعیان فشار زیادی آورد و دشمنان، با آن‌که در صدد نابودی‌شان هستند، نمی‌توانند آنان را از بین ببرند.^۷ امام مهدی علیه‌السلام با شیعیان همدردی می‌کند و غصه و ناراحتی آنان را غم و اندوه خود می‌داند.^۸ همچنین برای رفع گرفتاری‌های آنان دعا می‌کند و عزتشان را در سایه عزت و حکومت مهدوی از خدا می‌خواهد.^۹ او برای رفع کینه‌ها از سینه‌های

۱. قال الصادق علیه‌السلام: مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْعَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۳)

۲. قال الرضا علیه‌السلام: (المهدی) يَكُونُ ... أَتَقِي النَّاسَ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۱۳)

۳. قال الكاظم علیه‌السلام: يَعْتَادُهُ مَعَ سَمَرْتِهِ صَفْرَةَ مِنْ شَهْرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَةَ يَرَعِي النَّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا. (ابن طاووس، ۱۴۰۶: ۲۰۰)

۴. قال الرضا علیه‌السلام: الْجَحْجَاحُ الْمُجَاهِدُ الْمُجْتَهِدُ. (همو، ۱۳۳۰: ۵۱۳)

۵. قال الرضا علیه‌السلام: يَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۲۷)

۶. قال المهدی علیه‌السلام: لَوْ لَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مَخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ.... (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۶۷)

۷. در توقيح به شیخ مفید آمده است: إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَاضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ. (همو: ۴۹۷)

۸. قال المهدی علیه‌السلام: إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيَّ ازْتِيَابَ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّاكِّ وَالْحَيْرَةِ فِي وِلَاةِ أَمْرِهِمْ، فَعَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا، وَ سَاءَ مَا فِيكُمْ لَا فِينَا. (همو: ۴۶۷)

۹. وَأَحْيِهِمْ [أَوْ أَنْبِيَهُمْ] فِي عَزَّتَا وَ مُلْكِنَا أَوْ سُلْطَانِنَا وَ دَوْلَتِنَا. (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۹)

مؤمنان،^۱ اصلاح پراکندگی بین امت اسلامی،^۲ تألیف قلوب مردم^۳ و ایجاد وحدت واقعی^۴ اقدام می‌کند. مردم به وسیله او از فتنه‌ها نجات می‌یابند، همان‌طور که توسط پیامبر ﷺ از شرک نجات یافتند. به وسیله او خداوند پس از دشمنی‌ها، فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت دل‌هایشان را با هم الفت می‌بخشد، چنان‌که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد و دل‌هایشان را به هم الفت بخشید.^۵

عدالت‌خواهی و کوشش برای برقراری عدالت، از مهم‌ترین ویژگی اخلاق اجتماعی امام زمان ﷺ است^۶ که به استقرار عدالت جهانی می‌انجامد.^۷ آن حضرت با بندگان خدا - چه نیکوکار و چه بدکار - با عدالت رفتار می‌کند.^۸ او با ستمگران مبارزه می‌کند و از آنان انتقام می‌گیرد؛^۹ حکمرانان ستمگر را از میان برمی‌دارد و زمین را از هر ستمگری پاکیزه می‌کند.^{۱۰} او حقوق به یغما برده شده را به صاحبان حق بازمی‌گرداند^{۱۱} و حتی با اصحاب خویش - که به تمامی شهرها اعزام می‌کند - به عدالت و احسان فرمان می‌دهد.^{۱۲}

حق‌طلبی و تلاش برای احیای دین حق^{۱۳} و تجدید حیات قرآن و سنت^{۱۴} از دیگر ویژگی‌های اخلاقی امام مهدی ﷺ است. از این رو حضرتش در روزگار ظهور، بزرگ‌ترین امرکننده

۱. قال علی ﷺ: لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَدَهَبَتِ السُّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۲۶)

۲. قال علی ﷺ: وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴)

۳. قال الصادق ﷺ: وَيَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُوَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۷)

۴. قال علی ﷺ: وَيَضِدُّ شُعْبًا وَيَشْعَبُ صَدْعًا. (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۵۰)

۵. قال علی ﷺ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمَّا آلُ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا، بَلْ مِنَّا، يَخِيَمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَبِنَا يُنْقَدُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا أَنْقَدُوا مِنَ الشَّرِكِ وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشَّرِكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۴)

۶. فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرَةِ. (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۳۸)

۷. الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۸)

۸. قال الباقر ﷺ: يَغْدُلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ، التَّيْمَنُهِمْ وَ الْفَاجِرِ. (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۶۱)

۹. قال الحسين ﷺ: يَظْهَرُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَنْتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۹۶)

۱۰. قال علی ﷺ: لَيَنْزِعَنَّ عَنْكُمْ قُضَاةَ السُّوءِ... وَ لَيَغْرِزَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لَيُظْهِرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ وَ لَيَعْمَلَنَّ بِالْعَدْلِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۱۲۰)

۱۱. قال رسول الله ﷺ: يَبْلُغُ مِنْ رِذِّ الْمَهْدِيِّ الْمَظَالِمِ حَتَّى لَوْ كَانَ تَحْتَ حُرْسِ إِنْسَانٍ شَيْءٌ أَنْتَزَعَهُ حَتَّى يَرُدَّهُ. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۴۳)

۱۲. قال علی ﷺ: يَفْرُقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَ يَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ. (بیزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۷۲)

۱۳. قال الصادق ﷺ: أَيْنَ مُخِيبي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ. (مجلسی، ۱۴۲۳: ۱۶۲)

۱۴. قال علی ﷺ: وَ يُخِيبي مَيْتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ. (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۳۸)

به معروف و نهی کننده از منکر است.^۱ او با بدعت‌ها در دین مبارزه می‌کند و همه بدعت‌ها را از بین می‌برد^۲ و به اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی می‌پردازد.^۳

امام علیه‌السلام همچون یوسف علیه‌السلام سخاوتمند است.^۴ او به وفور، مال می‌بخشد^۵ و دیون شیعیان را می‌پردازد.^۶ امام رضا علیه‌السلام درباره سخاوت ایشان می‌فرماید:

يَكُونُ ... أَسْخِي النَّاسِ؛ (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۱۳)

[او] با سخاوت‌ترین مردم است.

زیرا امام مهدی علیه‌السلام عطا و بخششی می‌کند که هیچ‌کس - حتی امامان پیش از او - چنین عطایی نکرده است.^۷ گفتنی است این بذل و بخشش از اموال بیت‌المال نیست. آن حضرت اموال بیت‌المال را برابر تقسیم می‌کند^۸ و آن‌گونه بین مردم به مساوات رفتار می‌نماید که نیازمند به زکات دیده نشود.^۹

در بینش امام مهدی علیه‌السلام امور اخلاقی بسیار مهم است؛ به گونه‌ای که با کسانی که می‌خواهند در انقلاب شرکت فعال داشته باشند و کارگزاران حکومت شوند، بر اساس منشور اخلاقی اسلام پیمان می‌بندد. این پیمان‌نامه، نشان‌گر رویکرد اخلاقی آن حضرت و مشخص کردن خط مشی و برنامه‌های آتی دولت مهدوی و الزام به رعایت آن است. این پیمان و بیعت، بر سر اصولی است که راه و رسم و شیوه امام را در حکومت تبیین می‌کند؛ مانند احترام به ارزش و حقوق انسان، دوری از ظلم، احتکار، فساد، دعوت به ساده‌زیستی، عدالت‌گستری و دادگری. ابن طاووس این پیمان‌نامه را در دو محور، چنین

۱. قال الباقر علیه‌السلام: النبي والوصي والقائم «يأمرهم بالمعروف» إذا قام و «ينهاهم عن المنكر». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۲۹،

ح ۸۳، حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۸۵)

۲. قال الباقر علیه‌السلام: لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۶۲)

۳. أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّةِ وَالْعَوَجِ.

۴. قال الباقر علیه‌السلام: فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ أَرْبَعٌ شَتَّى مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ... وَ سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ وَ سَخَائِهِ. (مسعودی،

۱۳۸۴: ۲۶۷)

۵. قال الصادق علیه‌السلام: المهدی سَمَحٌ بِالْمَالِ. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۳۲۵)

۶. قال الباقر علیه‌السلام: لَا غَارِمًا إِلَّا قَضَى دَيْنَهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۳۴)

۷. قال الباقر علیه‌السلام: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ... يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا كُلِّهَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرُهَا فَيَقَالُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا

قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدَّمَ الْحَرَامَ... فَيُعْطَى عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۹۰،

ذیل ح ۲۱۲)

۸. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:... وَ يَفْسِمُ الْمَالَ بِالسُّوْيَةِ، وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغَنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ... (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۴)

۹. قال الباقر علیه‌السلام: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ سَوَى بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مَحْتَاجًا إِلَى الزَّكَاةِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۹۰)

تبیین می‌کند:^۱

۱. پای‌بندی به فضایل اخلاقی: فضایل و مکارم اخلاقی مورد تأکید امام مهدی علیه السلام عبارت است از: طهارت و پاکی، امر به معروف و نهی از منکر، زهد و پارسایی، تواضع و فروتنی، جهاد و قناعت.

۲. دوری از ذرایع و کژی‌های اخلاقی: مفسد و ناهنجاری‌های مورد نهی حضرت عبارت‌اند از: دزدی، زنا، هتاک، قتل، آبروریزی، تجاوز، احتکار، گواهی دروغ، شرب خمر، دنیادوستی و چپاول‌گری.

از این انگاره به دست می‌آید که دولت دینی - چه در حال و چه در آینده - باید یکایک این مفسد و ناراستی‌های اخلاقی را مورد توجه قرار دهد و در ریشه‌کنی آن‌ها و ترویج فضایل اخلاقی کوشا باشد. همچنین همه منتظران، خود باید به تعهدات اخلاقی پای‌بند باشند و همه کارهایشان بر اساس تقوا، پاکی و اخلاق نیک انجام شود^۲ تا زمینه برقراری دولت اخلاقی امام مهدی علیه السلام فراهم گردد.

ویژگی‌های اخلاقی یاران مهدی علیه السلام

صفات و عملکردهای اخلاقی یاوران مهدی در چند دسته زیر تبیین می‌شود:

۱. توجه به الگو بودن امام علیه السلام و جامعیت آن حضرت در محاسن و مکارم اخلاق: از ویژگی‌های اخلاقی یاوران مهدی همانندسازی آنان با اخلاق حسنه و مکارم اخلاق امام علیه السلام است و عمل به آن چه آن حضرت دوست دارد و دوری نسبت به آن چه امام از عمل به آن ناراحت می‌شود؛^۳

۱. قال علی علیه السلام: یبایعون علی أن لا یسرقوا ولا یزنوا ولا یسبوا مسلماً ولا یقتلوا محرماً ولا یهتکوا حریماً محرماً ولا یهجموا منزلاً ولا یضربوا أحداً إلا بالحق ولا یکنزوا ذهباً ولا فضةً ولا بزاً ولا شعیراً ولا یأکلوا مال الیتیم ولا یشهدوا بما لا یعلمون ولا یتخربوا مسجداً ولا یشربوا مسکراً ولا یلبسوا الخز ولا الحریر ولا یتمنطقوا بالذهب ولا یقطعوا طریقاً ولا یخیفوا سبیلاً ولا یفسقوا بسلام ولا یحبسوا طعاماً من بز ولا شعیر ویرضون بالقلیل ویشتمون علی الطیب ویکرهون النجاسة ویأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویلبسون الخشن من الثیاب ویتوشدون الثراب علی الخدود ویجاهدون فی الله حق جهاده... و یشترط علی نفسه لهم أن یمشی حیث یمشون، و یلبس کما یلبسون و یرکب کما یرکبون، و یکون من حیث یریدون، و یرضی بالقلیل، و یملا الأرض بعون الله عدلاً کما ملئت جوراً... و لا یتخذ حاجباً و لا بواباً. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۹۴)

۲. قال الصادق علیه السلام: من سره أن یکون من أصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

۳. قال المهدی علیه السلام: من سره أن یکون من أصحاب القائم... و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق. (همو)

۴. فلینعمل کل امرئ منکم... من محبتنا... (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۸)

زیرا به اسوه کامل بودن امام مهدی علیه السلام ایمان^۱ و اعتقاد راسخ دارند.^۲ آنان بر قول به امامت حضرتش ثابت‌اند؛^۳ با پذیرش ولایت مولای خود، در دل و عمل، ایمانشان را کامل و اسلامشان را نیکو می‌سازند^۴ و بر این پذیرش و باور ولایی پای بندند.^۵ آنان به او عشق می‌ورزند و سراپا گوش به فرمان، از حضرتش پیروی می‌کنند.^۶ یاوران صدیق امام علیه السلام تقوای الهی را پیشه خود می‌کنند،^۷ به تهذیب و تزکیه نفس می‌پردازند، رذایل اخلاقی را از خود می‌زدایند و به کسب فضایل مشغول می‌گردند.^۸

۲. راز و نیاز با خدا: یاوران مهدی با تاسی به مولای خود، در عبادت و راز و نیاز با خدا، شب‌ها را با شب‌زنده‌داری سپری می‌کنند و در همه حال و حتی بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند^۹ و در طریق عبودیت بسیار با جدیت در تلاش‌اند.^{۱۰}

۳. روحيات فردی: یاوران مهدی علیه السلام با همه سختی‌ها و رنج‌هایی که از جانب دشمنان بر آنان وارد می‌شود، از قوت قلب،^{۱۱} آرامش روحی^{۱۲} و شجاعت^{۱۳} برخوردارند. آنان در شرایط بس دشوار غیبت، دارای تحمل و استقامت بالیند،^{۱۴} ثابت قدم و

۱. قال الصادق علیه السلام: رَجَالَ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجْرِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۸)

۲. قال علی بن الحسین علیه السلام: ... الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۱۸)

۳. قال حسن العسکری علیه السلام: وَاللَّهِ لَيُعَيِّنَنَّ غَيِّبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۰)

۴. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ وَ قَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَ حَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَلَّ الْحُجَّةَ صَاحِبَ الرِّمَانِ الْمُنتَظِرِ. (ابن‌شاذان، ۱۳۶۳: ۱۶۷)

۵. قال الصادق علیه السلام: مَنْ دَانَ اللَّهَ بَوْلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْاِثْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۳۱)

۶. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: كَرَارُونَ مُجِدِّونَ فِي طَاعَتِهِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۶۸)

۷. قال الصادق علیه السلام: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيِّبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۲)

۸. قال الصادق علیه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ. (همو: ۲۰۰، ج ۱۶)

۹. قال الصادق علیه السلام: رَجَالَ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبِيئُونَ قِيَاماً عَلَى أَظْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۰۸)

۱۰. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مُجِدِّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۳)

۱۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ. (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۸)

۱۲. قال الصادق علیه السلام: طَوْبَى لِشَيْعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لُظْهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَخْزَنُونَ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۵۷)

۱۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: زُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لُبُوثٌ بِالنَّهَارِ، رَجَالَ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ. (مفید: ۱۴۱۳: ۲۰۸)

۱۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَ أُخِدَّ وَ حَتِينٍ وَ نَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ فَقَالَ إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمِلُونَ لَمَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۶)

استوار^۱ و به رحمت خداوند امیدوارند.^۲

۴. برجستگی های اخلاقی یاران مهدی علیه السلام در زمان غیبت: در زمان غیبت، یاوران امام از قوت عقل و اندیشه ای برخوردارند که غیبت امام برای آنان به منزله مشاهده و حضور درآمده است.^۳ آنان اهل بصیرت اند^۴ و بر غایب بودن امامشان صابر و بر محبت و دوستی اش پابرجایند؛^۵ برای فرج تلاش می کنند و انتظار فرج را دوست داشتنی ترین کارها در پیشگاه خداوند عزوجل می دانند.^۶ آنان برای تعجیل فرج، بسیار دعا می کنند و فرج آن حضرت را فرج خود می دانند.^۷ همچنین هریک به اندازه توانشان درآمده کردن امکانات برای مقابله با دشمنان از جمله آمادگی جسمانی،^۸ تهیه سلاح، مرکب^۹ و کسب مهارت های نظامی روز می کوشند؛^{۱۰} ظهور امام علیه السلام را درک کنند، تمام روزهای زندگانی اش را خدمتگزار او خواهند بود؛^{۱۱} نام او را محترم می شمردند و برای ادای احترام و ابراز فروتنی به هنگام یاد آن حضرت با لقب «قائم» می ایستند.^{۱۲}

امام صادق علیه السلام درباره این که چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» باید برخاست فرمود:

۱. قال الباقر علیه السلام: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَأْتِيهِمُ طُوبَى لِّلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُتَادِيَهُمُ الْبَارِئُ جَلَّ جَلَالُهُ فَيَقُولُ عَبَادِي وَإِمَائِي أَمَنْتُمْ بِسِرِّي وَصَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبْشِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۰)
۲. قال علي علیه السلام: اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ. (همو، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶)
۳. قال السجاد علیه السلام: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْظَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَبِيَّةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۱۸)
۴. قال الصادق علیه السلام: كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَصْحَابِهِ ... وَ قَدْ وَصَفَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِالتَّوَسُّمِ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ بِقَوْلِهِ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (حجر: ۷۵). (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۸۶)
۵. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ! طُوبَى لِّلْمُقِيمِينَ فِي مَحَبَّتِهِ ... أَوْلِيكَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» وَ قَالَ: «أَوْلِيكَ جِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ جِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۶۰)
۶. قال علي علیه السلام: اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ مَا دَامَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶)
۷. وَ أَكْثَرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ. (همو، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۵)
۸. قال الصادق علیه السلام: فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۰)
۹. قال الكاظم علیه السلام: مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِعًا بِهِ أَمْرًا وَ يَعْظِزُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مُنْسَوِّبٌ إِلَيْنَا أَدْرَأَ اللَّهُ رِزْقَهُ وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَى حَوَائِجِهِ. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۶، ۵۳۵)
۱۰. قال الصادق علیه السلام: لِيُعَدَّتْ أَحَدُكُمْ لِحُرُوجِ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجَعَتْ لِأَنَّ يُنْسَى فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)
۱۱. قال الصادق علیه السلام: لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)
۱۲. فوضع الرضا علیه السلام يده على رأسه و تواضع قائماً و دعى له بالفرج. (امینی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۵۱۱)

آن حضرت، غیبتی طولانی دارد و این لقب یادآور دولت حقّه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. لذا آن حضرت از شدت محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد به هر کس که حضرتش را به این لقب یاد کند نگاهی محبت‌آمیز می‌نماید. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب عصر خود هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد. پس باید برخیزد و تعجیل در فرج امر مولایش را از خداوند مسئلت نماید. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ۶۴۰، ح ۴)

یاوران حضرت مهدی علیه السلام به صورت‌های گوناگون علاقه خویش را به حضرتش ابراز می‌دارند؛ مانند این که برای سلامتی او صدقه می‌دهند (نوری، ۱۳۸۴: ۷۷۳) و ثواب اعمال واجب یا مستحب خودشان را به آن حضرت هدیه می‌کنند (همدانی، ۱۳۶۱: ۲۲۵). این نوع اعمال بدین معناست که وجود آن حضرت از وجود خودشان محبوب‌تر است و سلامتی او را بر سلامتی خود ترجیح می‌دهند و این را نشانه کمال ایمانشان می‌دانند (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۹۷).

۵. رفتارهای اخلاقی در ارتباط با یکدیگر و با دشمنان: از ویژگی‌های بارز یاوران مهدی علیه السلام این است که با یکدیگر رابطه عاطفی و برادری برقرار می‌سازند؛ وحدت مقصد و اخلاص نیت، دل‌هایشان را با هم پیوند داده و یار و غمخوار همدیگرند. آنان برای یکدیگر خود را به رنج می‌افکنند و در بهره‌گیری از زیبایی‌های زندگی، دیگران را بر خود پیش دارند؛ به سراغ مال برادر خود رفته، حاجت خویش را برمی‌گیرند و کسی آن‌ها را منع نمی‌کند؛^۱ زیرا دوستی‌شان چنان محکم است که گویا برادران تنی‌اند و همه‌شان از یک پدر و مادرند؛ دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است؛^۲ دوستانی با صفایند و کارها را ماهرانه به نظم و ترتیب درمی‌آورند و پیشاپیش، مقدمات حرکت را برای امام فراهم می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵). همه کارهای آنان از نظم و انضباط معقول برخوردار است؛ در رزم از لباس یکسان استفاده می‌کنند و زی و هیئتی یکسان دارند؛ در جمال و برازندگی همانند هم‌اند؛ در آغاز و انجام کارها، سازمان‌دهی دارند و در بیعت با امام و دعوت به قیام و جهاد با دشمنان

۱. عَنْ بَرِّدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَنَا بِالْكُوفَةِ جَمَاعَةٌ كَثِيرَةٌ فَلَوْ أَمَرْتَهُمْ لِأَطَاعُوكَ وَاتَّبَعُوكَ. فَقَالَ: يَجِيءُ أَحَدُهُمْ إِلَى كَيْسِ أُخِيهِ فَيَأْخُذُ مِنْهُ حَاجَتَهُ. فَقَالَ: لَا. قَالَ: فَهَمْ بِدِمَائِهِمْ أَنْخُلُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ النَّاسَ فِي هَذِهِ نَتَائِجُهُمْ وَنَوَارِثُهُمْ وَنَقِيمٌ عَلَيْهِمُ الْخُدُودَ وَنُؤْدِي أَمَانَاتِهِمْ حَتَّى إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَاةِلَةُ وَبَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أُخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْتَنِعُهُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۷۲)

۲. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: كَأَنَّمَا رَبَاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَأُمُّ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ بِمَجْتَمَعَةِ بِالْمَحَبَّةِ وَالتَّصِيحَةِ. (بیزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۶۵)

هماهنگ عمل می‌کنند.^۱ یاوران امام مهدی علیه السلام دارای تَوَلَّى و تَبَرَّى مهدوی قوی هستند؛ با دوستان او دوستی دارند و از دشمنانش بیزاری می‌جویند^۲ و بر آن پایدارند.^۳ یاران مهدی علیه السلام حقیقتاً انسان‌هایی خالص شده و شیعیان راستین هستند که مردم را آشکار و نهان به سوی دین خداوند دعوت می‌کنند.^۴

نتیجه

از مهم‌ترین هدف‌های رسالت انبیا علیهم السلام و امامت ائمه علیهم السلام تعلیم، تربیت و تزکیه اخلاقی مردم است. منظور از آموزه‌های تربیتی مجموعه برنامه‌های آموزشی و پرورشی خرد و کلان در متون حدیثی است که به صورت گفتارها، ارشادها، اوامر و نواهی، سیره عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای به فعلیت درآوردن استعدادهای سرشتی آدمیان و هموار ساختن مسیر رشد و تعالی و سعادت دنیا و آخرت آنان، به دست ما رسیده است.

هدف اصلی اهل بیت علیهم السلام از آموزه‌های تربیتی در حوزه صفات و رفتارهای اخلاقی شخص امام مهدی علیه السلام این است که نمونه بارز اخلاق انسان کامل، اسوه حسنه، محاسن و مکارم اخلاق و الگوی عینی از تحقق هدف آفرینش معرفی شود و تلاش بشر برای سیر صعودی و دستیابی به حیات طیبه، در مسیر سالم و راه درست سیر و سلوک دینی جهت یابد و یاران مهدی علیهم السلام به روشنی بتوانند ویژگی‌های آن حضرت را بشناسند و برای پیروی از او تمام تلاش و کوشش خود را به‌کارگیرند تا زندگی‌شان نمونه‌هایی از زندگی سالم انسانی باشد.

در بررسی آموزه‌های تربیتی اهل بیت علیهم السلام ویژگی‌های اخلاقی شخص امام علیه السلام در سه حیطه جامعیت مکارم اخلاق، اخلاق فردی (مانند عزت نفس، آرامش، متانت، خشوع در عبادت، زهد و تقوا) و اجتماعی (مانند مهرورزی، همدردی، برقراری عدالت اجتماعی، رفع گرفتاری و رشد

۱. قال علی علیه السلام: کأني أنظر إليهم و الزی واحد و القد واحد و الجمال واحد و اللباس واحد. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۲۹۴)
 ۲. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: طوبى لمن أدرك قائم أهل بيته و هو مُقتد به قبل قيامه، يتولى وليه و يتبرأ من عدوه، و يتولى الأئمة الهاديّة من قبله... (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷)
 ۳. قال الكاظم علیه السلام: طوبى لشيعةنا المتمسكين بحبلنا في غيبة قائمنا الثابتين على موالاتنا و البراءة من أعدائنا. أولئك منّا و نحن منهم. قد رضوا بنا أئمة و رضينا بهم شيعة فطوبى لهم! ثم طوبى لهم! و هم و الله معنا في درجائنا يوم القيامة. (همو: ج ۲، ۳۶۱)
 ۴. قال زين العابدين علیه السلام: أولئك المخلصون حقاً و شيعةنا صدقاً و الدعاة إلى دين الله عزّ و جلّ سراً و جهراً. (همو: ج ۱، ۳۲۰)

اقتصادی) بررسی گردید و در تشریح عمده ویژگی‌های اخلاقی یاران امام علیه السلام توجه به الگوبودن امام علیه السلام و جامعیت آن حضرت در محاسن و مکارم اخلاق، عبادت و راز و نیاز با خدا، روحیات فردی، برجستگی‌های اخلاقی در زمان غیبت و رفتارهای اخلاقی در ارتباط با همدیگر و با دشمنان پرداخته شد.

منابع

- ابن شاذان قمی، ابوالفضل، الفضائل، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمتن فی التعریف بالفتن، قم، مؤسسه صاحب الامر علیه السلام، ۱۴۱۶ ق.
- _____، جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع، قم، دارالرضی، ۱۳۳۰ ش.
- _____، فلاح السائل ونجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
- _____، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، نشر بیدار، ۱۳۷۱ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ش.
- امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مبادئ اخلاق در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۴ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- حسین زاده، اکرم، «أسیب شناسی تربیت اخلاقی»، فصل نامه کتاب نقد، ش ۴۲، ۱۳۸۶ ش.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۹ ق.
- خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأئمة الإثنی عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
- داوودی، محمد، تربیت اخلاقی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت، ۱۳۷۲ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۷ ش.
- دیلمی، احمد؛ مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.

- سجادی، مهدی، «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی؛ بازنگری و نوع‌شناسی»، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۳، ۱۳۷۹ ش.
- شرتونی، سعید، اقرب الموارد، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۱ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر علیه‌السلام، قم، دفتر مؤلف، ۱۴۲۲ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
- _____، علل الشرایع، قم، مکتبه دآوری، ۱۳۸۵ ش.
- _____، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۵ ق.
- _____، معانی الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- _____، زاد المعاد، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ ق.
- مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
- مصباح یزدی، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۷ ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، صدرا، چاپ هفتاد و سوم، ۱۳۹۰ ش.
- مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکمال المکارم، قم: برگ شقایق، ۱۳۸۰ ش.
- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
- _____، نجم الثاقب فی أحوال الإمام الغائب، قم، مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
- همدانی، علی اکبر، پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، تهران، بدر، ۱۳۶۱ ش.
- یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.